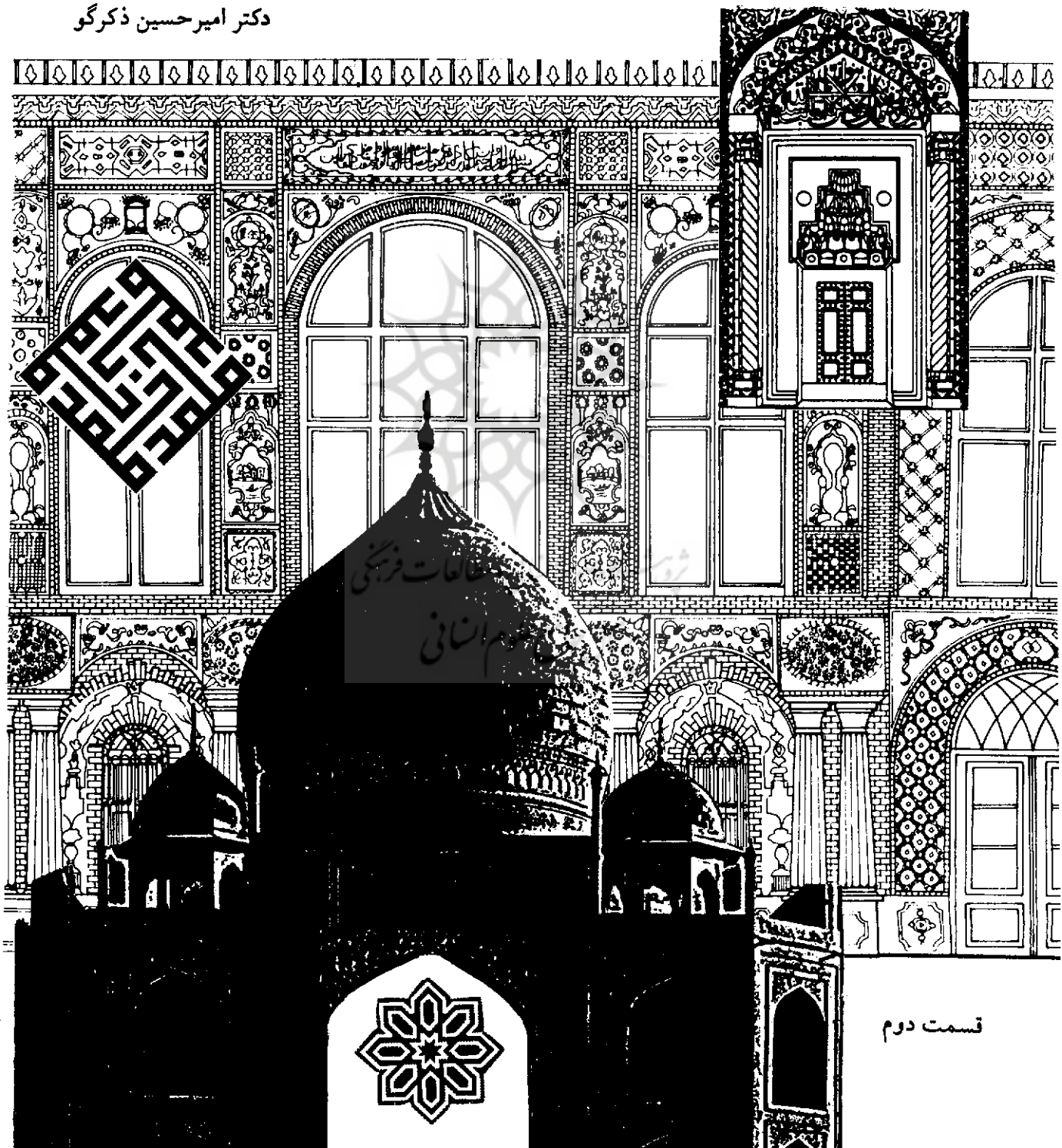


ردپای هنر ایران در عرصه فرهنگ هند

بخش اول: معماری هندو - اسلامی، اجتماع نقیضین

دکتر امیرحسین ذکرگو



قسمت دوم

تأثیر اسلام بر فرهنگ و هنر سرزمین هند عمیق‌ترین تأثیر دین محمدی در سراسر پهنه گیتی است

مقدمه

است که هر نشریه و هر مقاله‌ای با آن روبروست. امید است در آینده این مشکل با تدوین مجموعه مقالات در قالب کتاب مرتفع گردد.

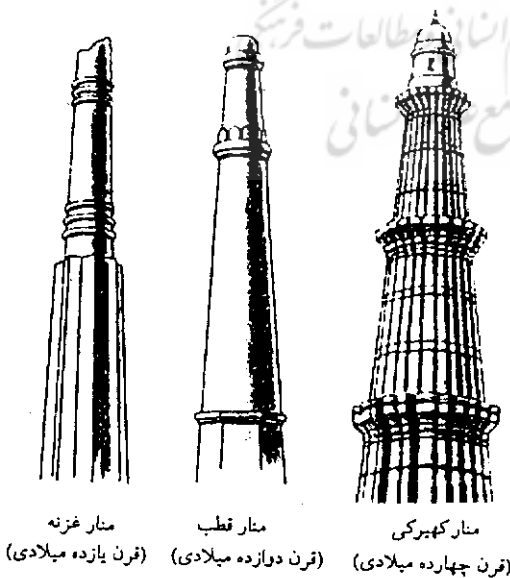
در شماره گذشته که اولین شماره در باب معرفی معماری اسلامی هند بود، کوشش کردیم تا به مبانی لازم برای ظهور یک سبک معماری به طور اعم و مقدماتی درباره اساس معماری اسلامی هند به طور اخص اشاره‌ای داشته باشیم. در همان شماره در معماری هندو - اسلامی با عبارت اجتماع نقیضین یاد کردیم. مقصود از این عبارت همان تلفیق و آمیختگی میان معماری مسجد و معماری معبد بود که توصیفاتی نیز در خصوص معرفی محتوایی هر یک از این دو مقوله ذکر شد. هندوستان گرچه به داشتن تاریخی دیرین و فرهنگی غنی شهرت دارد لیکن اگر خدمات اسلام و هنر و فرهنگ اسلامی را به شبه قاره از پیکره فرهنگ هند جدا سازیم خواهیم دید که بخش مهمی از این پیکره عظیم و غنی فرو خواهد ریخت. به عبارت دیگر فرهنگ و معماری هند قسمت عمده‌ای از قوام و غنای خویش را مدیون فرهنگ و هنر و معماری اسلامی است. البته این نکته را نیز نباید از ذهن دور داشت که لطافت، زیبایی، عظمت و قوت معماری هند و شهرتش در سطح جهان به علت آمیختگی دو فرهنگ و دو ذوق و دو سلیقه زیبایی‌شناسی بوده است و معماری هندو - اسلامی که فرزند این دو فرهنگ است چنان به اوج رسید که توانست خود را به عنوان یکی از برترین و والاترین نمونه‌های معماری جهان به اثبات برساند.

در این شماره بر این هستیم تا به یاری خدا اولین گام‌های شکل‌گیری این فرزند نوین را که حاصل وصلت میمون دو فرهنگ و دو سنت است در حد بضاعت معرفی نماییم. از آنجا که هر تحول فرهنگی زاینده یک سلسله اتفاقات و رخداد‌های تاریخی است، نگاهی اجمالی به تاریخ اولین ارتباطات مسلمین با شبه قاره هند ضروری می‌نماید.

نخستین گام‌های معماری اسلامی در هند

ابتدایی‌ترین ارتباط مسلمین با شبه قاره به صدر اسلام باز می‌گردد. اعرابی که به منظور تجارت و کسب به ساحل مالابار (ایالت کرالا) آمدند، در آنجا رحل اقامت افکندند. برخی از آنان با بومیان ناحیه وصلت نمودند و از ایشان دارای فرزند شدند. لیکن این داد و ستدها و مهاجرتهای جسته و گریخته تأثیر قابل توجهی در بافت زندگی و سبک معماری هند نگذاشت.

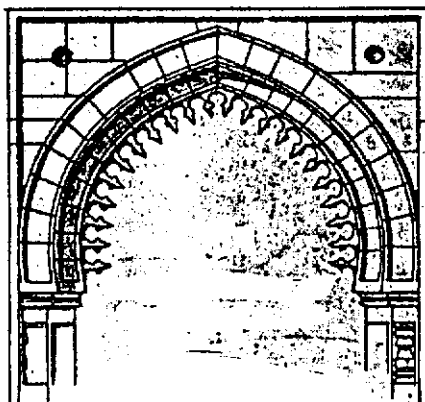
از صدر اسلام تا اواخر قرن دوازدهم میلادی (یعنی آغاز استقرار حکومت مسلمین در دهلی) تحولات بسیاری در وادی هنر معماری رخ داد که گرچه هیچ یک از گزند نازیانه زمان محفوظ نمانده‌اند لیکن دو نمونه از آن ابنيه توسط مسلمین ثبت گردیده است که ذیلاً به آنها اشاره‌ای اجمالی می‌نماییم.



نوع منارهای عهد سلطنت دهلی

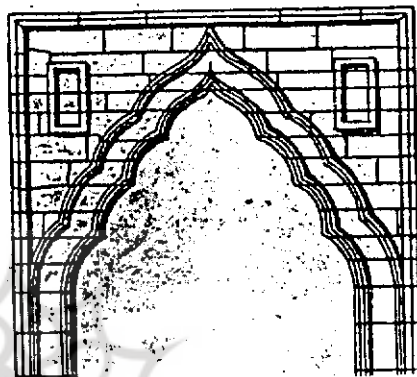
نگارنده کوشیده است تا با ارائه برگزیده‌ای از تصاویر مربوط به این مبحث به انتقال مفاهیم کمک کند. از آنجا که اساس بسیاری از هنرها ارتباط بصری است، ضرورت گردآوری و ارائه این تصاویر حس می‌شود. قطعاً محدودیت در تعداد تصاویر و کیفیت چاپی از مشکلاتی

۱- اولین و قدیمی ترین این آثار به قرن هشتم میلادی مربوط می شود که طی آن بخش عمده ای از نواحی تحتانی دره سند از طریق اعراب مهاجم تحت سلطه و نفوذ خلفای بغدادی قرار گرفت. در نتیجه این استیلا و در کنار معرفی برخی هنرهای دستی خاص مسلمین، صنعت ساخت کاشیهای لعابدار (Glazed Tile) نیز از بابل (Babilonia) و شهرهای تحت سلطه آن به دره سند (Indus Valley) انتقال یافت. آثار این نفوذ به عنوان یک هنر زنده در ملتان (از شهرهای پاکستان کنونی) و نواحی اطراف آن رواج دارد.



مسجد قطب (دهلی)

۲- دومین نمونه، که آثاری عمیق تر از مورد فوق الذکر را در بر دارد، مربوط می شود به نیمه اول قرن دوازدهم میلادی، هنگامی که غزنویان، پیشروی خود را از افغانستان آغاز کرده و سلطه خود را بر نواحی «پنجاب» و «لاهور» گسترده کردند، نایب السلطنه وقت مبادرت به ساخت کاخهای مجلل و اماکن اداری وسیعی نمود و قوای خویش را در این اماکن مستقر ساخت. گرچه بناهای مذکور در همان ایام (قرن دوازدهم) توسط شاهزادگان غوری (Ghor Princes) نابود شد لیکن اسناد تاریخی، به انضمام بقایای مختصری چون دیوارهای آجری و درهای چوبی مجهز به بستها و گل میخهای فلزی و... در عمق ویرانه های پایتخت قدیمی پنجاب، اشاراتی به شیوه معماری آن عهد دارد.



مسجد اجمیر (راجستان)

به رغم یافت نمونه های فوق، نمی توان آنها را به عنوان عناصر مؤثر و شالوده اصلی بنای ابنیه اسلامی هند تلقی نمود، بلکه اولین بارقه های این نفوذ به صورت فراگیر در اواخر قرن سیزدهم میلادی، هنگامی که پایه های حاکمیت مسلمین در پایتخت «سلطنت دهلی» مستحکم و استوار شده بود، درخشید.

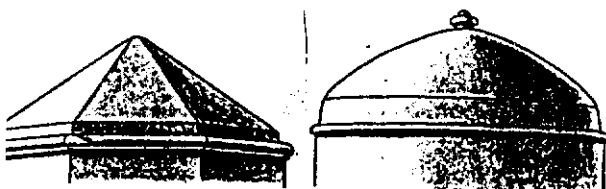


مقبره غیاث الدین تغلق (دهلی)

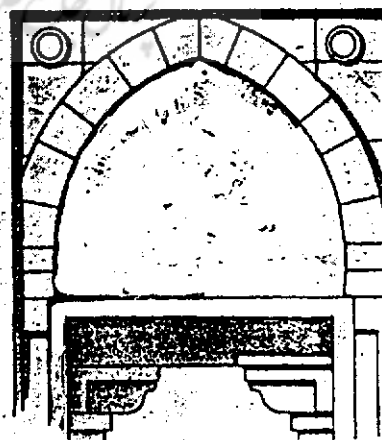
برای بسط و رشد و به ثمر نشستن یک شیوه معماری، چند عنصر از شرایط لازم به شمار می روند. این عناصر عبارتند از:

- ۱- تسلط بر زمین
- ۲- امکانات مادی ساخت بنا
- ۳- اطمینان به استمرار قدرت حاکمیت به منظور به انجام رساندن طرح

نوع گنبد های عهد سلطنت دهلی



در گنبد مقبره سلطان غاری، دهلی (۱۲۳۱ میلادی)



دروازه علایی (دهلی)

قوسهای استفاده شده در بناهای عهد سلطنت دهلی

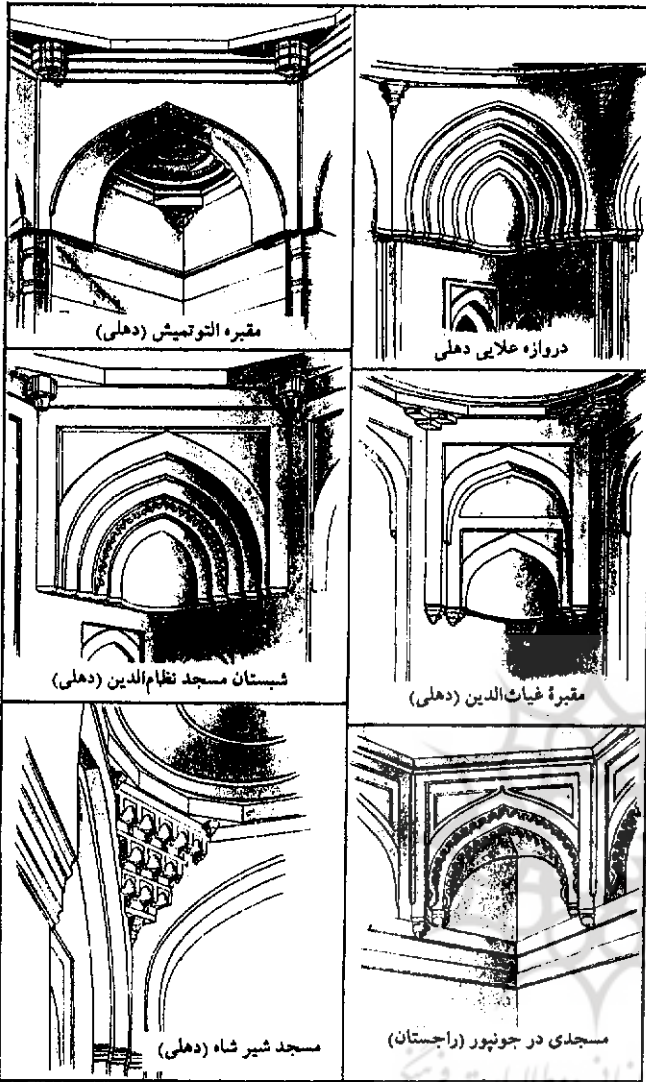
به بیان دیگر، چنانچه قدرت، مکتب و مالکیت نباشد، شرایط لازم برای دوام کار وجود نخواهد داشت. و قدرت مسلمین در هند عملاً با استقرار «سلطنت دهلی» تثبیت گردید و به این سه عنصر مجهز گشت.

اگر بخواهیم نخستین جرقه تحول معماری هندویی به شیوه و سبک معماری هندو - اسلامی را یافته و مورد بررسی قرار دهیم، مسجد قبه الاسلام در ناحیه «مهرولی» دهلی، دروازه ورود ما به این وادی خواهد بود. زمان بنای این مسجد به سال ۱۹۱۵ میلادی باز می‌گردد، زمانی که قطب‌الدین ایبک زمام سلطنت دهلی را به دست داشت.

اهمیت تاریخی مهرولی (Mehrauli)

«مهرولی» منطقه‌ای است واقع در جنوب شرقی دهلی که قدمت آن به قدمت شهر باستانی دهلی است. محققان، عمر شهر دهلی را تا ۳۰۰۰ سال تخمین زده‌اند و از این لحاظ می‌توان دهلی را از قدیمی‌ترین پایتخت‌های جهان برشمرد. این منطقه در طی عمر طولانی خود شاهد وقایع تاریخی عظیمی در قبل و بعد از اسلام بوده است. گرچه امروز اکثر آثار تاریخی باقیمانده در منطقه مهرولی مربوط به دوره سلاطین اسلامی است، لیکن حجم آثار باقیمانده از ادوار پیشین نیز قابل توجه می‌باشد.

تواریخ بر وجود بیش از ۳۰ معبد و بتخانه در ناحیه مهرولی گواهی داده‌اند. این معابد را حکام مسلمان ویران کردند. می‌گویند اولین باری که شهر دهلی مورد حمله این سلاطین قرار گرفت در زمان معزالدین غوری بود. حمله اول معزالدین در تاریخ ۵۷۴ هجری (۱۱۷۸ م) بود که نتیجه‌ای نبخشید. سه سال بعد، یعنی در سال ۱۱۸۱ میلادی در دومین حمله‌ای که او به هند کرد، بدون برخورد با مقاومتی به دروازه لاهور رسید. حمله سوم معزالدین در سال ۱۱۹۲ میلادی بود. گرچه شاهان محلی علم مقاومت افراشتند ولی این حرکات در مقابل قدرت مسلم معزالدین سودی نبخشید و وی توانست دامنه سلطه خویش را تا شهرهای دهلی و اجمیر^۲ بگستراند. وی حکام این دو شهر را در منصبهای خود باقی گذاشت و چندین قلعه را نیز به تصرف درآورد و پس از آن قطب‌الدین ایبک که از سرداران دلاور ترک بود، در شهر

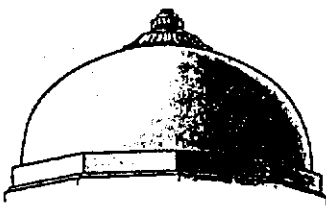


نوع طاقکهای موجود در بناهای عهد سلطنت

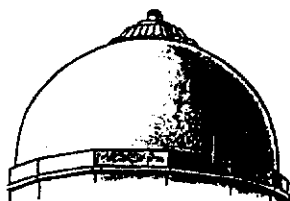
مهمترین عامل در ظهور یک شیوه

اتصال موضوع و هویت بنا به عالم لاهوت

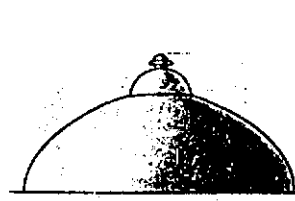
و ارتباطش با ماورای ماده است



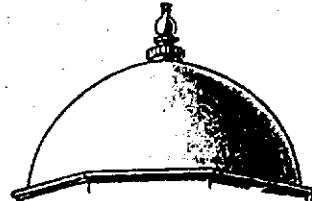
مقبره محمد شاه سید
دهلی (۱۴۴۴ میلادی)



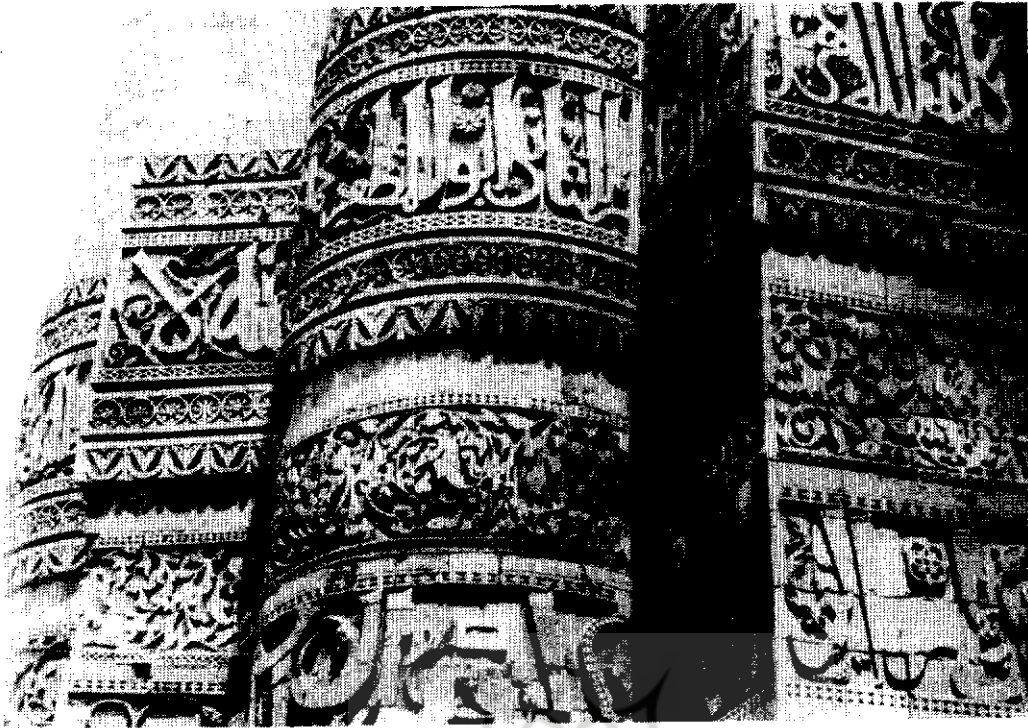
مقبره لودی، دهلی
(۱۵۰۰ میلادی)



دروازه علایی
دهلی (۱۳۱۰ میلادی)



مقبره غیاث‌الدین تغلق
دهلی (۱۳۲۵ میلادی)



حجاریهای زیبای آیات قرآن و گل و بته‌های تزیینی بر جسم منار قطب.

آمده از معابد، محصور گشته است. کلیه سنگهای استفاده شده در بنای این مسجد، از باقیمانده همان بتکده‌ها و معابدی است که به دست قطب‌الدین ایبک ویران شده و گویی سازندگان آن از روی قصد و غرض و برای ثبت این پیروزی تاریخی سنگهایی را از معابد مذکور که حامل نقش و تصاویر اصنام و خدایان هند بود در دیوارهای مسجد نصب نموده‌اند، و من به چشم خود نمونه‌های متعدد از این شمایل‌های سنگی را بر بدنه مسجد قبه‌الاسلام دیده‌ام. در آخرین بار که چند روز پیش از نوشتن این مقاله، به منظور عکاسی از ابنیه تاریخی منطقه قطب، سفری به آن ناحیه داشتم، مجسمه گانشا^۳ (Ganesa) را در کنار یکی از دیوارها دیدم که به حلقه گل آراسته بود و در پیشگاهش عود روشن کرده بودند. این تضاد بسیار جالب و تفکر برانگیز است. اینجا گرچه نام مسجد برخورد دارد لیکن بیشتر یک مکان توریستی است که همه نوع آدم برای بازدید آن می‌آیند و هندوها نیز در مسجد به پرستش اصنام خود مشغول هستند و عملاً هم مشکلی پیش نیامده و باعث دامن زدن به تضادهای دینی و فرقه‌ای که این روزها بازار محافل سیاسی را گرم کرده، نگشته است.

البته این امر چندان عجیب هم نیست، هندوستان سرزمین سازش و مدارا است و این خصیلت را در طول

اندلیات،^۳ واقع در ده میلی دهلی به جانشینی و نیابت خود منصوب و اداره امور نظامی و سیاسی متصرفات هند را هم به عهده او نهاد. لذا از این زمان به بعد، در واقع قطب‌الدین ایبک نماینده حکومت غوریان در هند محسوب می‌شود.

وی با اقتدار زمام امور را به دست گرفت و به تصرفات خود ادامه داد و شهرها و قلاع متعددی را تصرف نمود و مدتی دو شهر میرت (Meerut) و بلند شهر را به عنوان دژهای اصلی و دو مرکز مهم نظامی خود قرار داد. وی پس از مدتی با هوش و درایت فراوان نظامی خود دریافت که به مرکز نظامی مهمتری نیاز دارد و در سال ۱۱۹۲ میلادی دهلی را بدین منظور برگزید.^۴

مسجد قبه‌الاسلام

قطب‌الدین ایبک در لشکرکشی‌های خود تعداد کثیری از بتخانه‌ها و پرستشگاه‌های هندویی را خراب کرد. از جمله، در نواحی دهلی در حدود سی پرستشگاه را ویران نمود و با چهار صد و هشتاد ستونی که از این معابد جدا کرد، دستور داد تا در دهلی مسجدی بنا کردند که مسجد قبه‌الاسلام یا به اصطلاح عوام «قوت الاسلام» نام گرفت. این مسجد حیاطی به شکل مستطیل به ابعاد ۴۳×۳۳ متر؛ اطراف آن با دالایی از ستونهای حجاری شده به دست

تاریخ پر نشیب و فراز خویش به وضوح به نمایش گذاشته است.

نمی‌دانم چطور بحث به اینجا کشید. گویی باز کودک خیال به سیر در عالم خود پرداخته است و «باز بی‌ره می‌رویم از راه راست». از موضوع معماری و سبک‌شناسی ناگهان به انسان‌شناسی و فرهنگ عامه رسیدیم. بگذریم، سخن از حجاریها و سبک ساخت مسجد قبة الاسلام بود. شاید بتوان این مسجد را از لحاظ شیوه حجاری و نوع معماری و به خاطر بکارگیری سنگها و سرستونهایی که قبلاً به پرستشگاههای دیگر با پیشینه و مبنای فرهنگی و مذهبی و هنری و سنتی متفاوت تعلق داشت، و مجدداً در ترکیبی نوین در فضای دیگر و با مقصود و منظور و جهان بینی دیگر شکل متفاوتی گرفته، در نوع خود کم نظیر و شاید بی‌نظیر دانست. احساس صمیمیت و وحدت و آرامشی که در یک مسجد یا کلیسا به انسان دست می‌دهد، در مسجد قبة الاسلام تبدیل به احساس عظمت و چندانگی می‌شود. فرمهای آشنا در کنار اشکال نامأنوس چنان تضادی را در ذهن و روان و بصر ایجاد می‌کند که تمرکز و حضور قلب به یکباره از انسان سلب می‌شود. گویی این سقفهای حجیم و سنگین راه را حتی بر ذهن مسدود می‌کند و روح نمی‌تواند خود را از قید این چندانگی به راحتی رها سازد.

در سال ۱۱۹۹ میلادی، یعنی چهار سال پس از برپایی مسجد بی‌هویت قبة الاسلام، هنگامی که استقرار حکومت قطب‌الدین بیش از پیش تثبیت گردید و آرامش فکر ناشی از این ثبات و قرار، مجالی به گسترش افکار در وادی فعالیت‌های هنری داد، ایده بسط و تکمیل مسجد با استفاده از امکانات بکر و طرحهای خالص اسلامی رفته رفته نضج گرفت. اولین اقدام، بنای دیوارهایی با طاقها و دروازه‌های قوسی مزین به حجاریهایی از آیات قرآنی و مشبکهای اسلامی در جانب قبله (جهت غربی) مسجد بود. این بخش جدید از لحاظ بصری در قطبی مخالف با بخش پیشین قرار دارد. نوع خطاطی و نقوش و مشبکهایی که در دل ماسه سنگ حجاری شده به راستی که از لحاظ زیبایی و قدرت و ظرافت سنگتراشی در نوع خود کم نظیر است. در یک سو دیوارهای سنگی زیبا مزین به خطوط تزئینی نسخ کوفی و گاهی نسخ مایل به کوفی، بر جسم دیوارها و دروازه‌های بلند، با فرمهای منحنی و دلپذیر و گنبد‌های نیمه خراب، فضای مسجد را تداعی می‌کند، و در سوی دیگر ستونهای سنگی حجاری شده، با نقوش تزئینی ناآشنا و سرستونهای نامأنوس که سقفی سنگین و مسطح را به دوش کشیده‌اند، یاد بناهایی چون پاسارگاد و تخت جمشید را در انسان زنده می‌کند و در این میان روح انسان در کشمکش میان این دو، تنها مدهوش عظمت بنا می‌ماند.

حقیر تاکنون بیش از بیست بار به این مسجد رفته و با اهداف مختلف تحقیق و تفریح در کلیت و اجزای آن دقت نموده‌ام و هر بار همان احساس چندانگی در وجودم زنده شده است.

منار قطب

پس از قطب‌الدین ایبک، مسجد قبة الاسلام (قوت‌الاسلام) توسط دو حاکم گسترش یافت. شمس‌الدین التوتیش (۳۶ - ۱۲۱۱ ح) جانشین قطب‌الدین، به سال ۱۲۳۰ میلادی با ساختن بناهای اطراف و یک شبستان، وسعت مسجد را به دو برابر افزایش داد. بدین ترتیب منار قطب، که پایه‌هایش در زمان قطب‌الدین ایبک نهاده شده بود، در عهد التوتیش به پایان رسید. غرض از ساختن منار قطب توسط قطب‌الدین برخلاف آنچه برخی از مورخین گفته‌اند ایجاد مناره‌ای برای ندای اذان در هنگام برپایی نمازهای پنجگانه نبوده است، چرا که ابعاد بسیار بزرگ و حتی محیرالعقول آن (که به آن اشاره خواهیم کرد) از این واقعیت حکایت می‌کند که انگیزه آغاز این بنا بیشتر به عنوان یاد بود و به مناسبت یادگار پیروزیها و فتوحات حاکم وقت بوده است. البته دنیا و دهر عروس هزار دامادند و به کسی از غنی و فقیر، قوی و ضعیف وفا نکرده‌اند و قطب‌الدین هم از این قانون مستثنی نبود. او تنها توانست شاهد بنای اولین طبقه این ستون عظیم باشد و پس از آن، عمر کفاف نداد و چهره در نقاب خاک کشید و مال و مکنت و جاه و جلال را به حکام زنده دار فانی سپرد. طبقات بعدی این منار، احتمالاً به دستور «التوتیش» بنا گردیده و از کتیبه‌های فارسی و هندی روی منار این طور دریافت می‌شود که منار قطب تا هنگام نصب کتیبه‌ها دو بار آسیب دیده است. یک بار به سال ۱۳۲۶ در زمان حکومت محمدبن تغلق (۵۱ - ۱۳۲۵م) که در سال ۱۳۳۲ میلادی بازسازی شد. دومین آسیب را در ایام حکومت فیروز شاه تغلق (۸۸ - ۱۳۵۱م) ذکر کرده‌اند. بعدها در سال ۱۵۰۳ سکندر لودی (۱۵۱۷ -

ابنیه دینی را می‌توان

به اشعاری تشبیه نمود

که در مدح و ثنای آفریدگار

سروده می‌شوند

مسجد با سادگی
 عاری از هرگونه
 پیچیدگی و ابهام است
 در حالی که معبد منزلگاه
 رمزا و رازهاست



حجاری زیبای سر در مقبره التوتیش
 با خطوط نسخ برجسته و
 ستونهای چند وجهی.

معماری پیشی می‌گیرد و منار قطب و دیواره‌های حجاری شده اطراف، آن را به یک مجموعه صنایع دستی در مقیاس عظیم بدل می‌سازد. قطر منار قطب در پایه ۱۴/۳۲ متر و در بالاترین نقطه ۲/۷۵ متر است. ارتفاع آن ۷۲/۵ متر بوده و ۳۷۹ پله در داخل این بنا بکار رفته است. منار قطب بلندترین منار سنگی هند بوده و یکی از مشهورترین مناره‌های اسلامی جهان شمرده می‌شود.

علاءالدین خلجی (۱۳۱۷ - ۱۲۹۷ ح) از حکام دیگری بود که به گسترش مسجد قبةالاسلام مبادرت نمود. وی دروازه‌های با عظمت و زیبایی را که به حق در وادی هنر خطاطی و حجاری در جهان بی‌نظیر است، بنا نمود. «دروازه علایی» آخرین این دروازه‌ها می‌باشد که امروز هنوز زیبایی و استحکام خود را داراست. سال بنای این دروازه‌ها براساس نوشته‌های مندرج بر گنبدها، ۷۱۰

م (۱۴۸۹) نیز تعمیراتی در طبقات فوقانی صورت داد. منار قطب اصلاً دارای ۴ طبقه بوده، روکار این طبقات از سنگ سمباده سرخ است. در تعمیراتی که به سال ۱۳۶۸ میلادی انجام گرفت، در ساخت طبقه فوقانی از سنگ مرمر سفید استفاده شد.

سه طبقه اصلی تحتانی منار دارای ۳ طرح مقطعی متفاوت است. در طرح مقطعی طبقه اول، شیارهای منحنی و زاویه‌دار با هم تلفیق شده‌اند. طبقه دوم تنها خیاره‌های منحنی دارد و در طرح طبقه سوم صرفاً بریدگیهای زاویه‌دار و مثلثی بکار رفته‌اند. ایوانهای فوقانی را پایه‌ها و طاق نماهای قندیلی که ارمغانی از معماری اسلامی ایران بوده، استوار کرده است. نقش زیبای خطاطی بر احجار این بنا چنان استادانه بکار گرفته شده که هنگام مشاهده از نزدیک، جنبه‌های تزئینی آن بر ابعاد

هجری، معادل ۱۳۱۱ میلادی است. علاءالدین خلجی منار دیگری را هم بنیان نهاد که قرار بوده بلندی آن ۲ برابر منار قطب باشد، لیکن عمرش کفاف نکرد و با مرگ او بنای مزبور نیز نیمه کاره باقی ماند و به نظر می‌رسد این بنای نیمه تمام تا ابد نیمه کاره بماند و درسی دائمی باشد به مسافران و رهگذران این سرای فانی که:

کار دنیا کسی تمام نکرد

هر چه گیرید مختصر گیرید

در اینجا شایسته است به شهر اجمیر و بنای معروف «ارهای دین کاجوپرا» نیز اشاره شود. بنای مذکور نیز سرگذشتی نسبتاً مشابه با مسجد قبة الاسلام دارد با این تفاوت که در صحن و فضایی وسیعتر بنا شده است. خطاطی زیبای آیات قرآنی به شیوه نسخ کوفی بر دیواره‌های این بنا خودنمایی می‌کند. «ارهای دین کاجوپرا» نیز در زمان قطب‌الدین ایبک و به امر او ساخته شد و جزء اولین ابنیه سبک هندو - اسلامی به شمار می‌رود که به خاطر پیشگیری از اطاله کلام، توصیف آن را به مقالی و زمانی دیگر محول می‌کنیم.

معرفی سبک معماری اسلامی هند که در مقیاس وسیعی متأثر از معماری ایران است، مبحثی گسترده است که بدون معرفی آثار برجسته مغولی چون مقبره همایون در دهلی، مقبره اکبر (سکندرا) و البته بنای زیبا و معروف تاج محل در آگرا، ناقص و چه بسا نامفهوم خواهد بود. آنچه در سطور فوق گذاشت، تنها اشاره‌ای به جرقه آغاز این تحول وسیع بود. این روند از ابتدای استقرار حکام سلطنت دهلی، یعنی سالهای ۱۱۹۲ تا ۱۱۹۸ (دوره ابتدایی بنای مسجد قبة الاسلام) آغاز می‌شود. بنای شبستان این مسجد، منار قطب و مقبره التوتیش (۳۷ - ۱۲۱۱ م)، دروازه زیبای علایی ساخته شده در زمان علاءالدین خلجی (۱۳۱۶ - ۱۲۹۷ م) و بالاخره بنای زیبا و کوچک امام ضامن^۶ که زمان ساخت آن به سال ۹۴۴ هجری (۳۸ - ۱۵۳۷ م) باز می‌گردد، چون موزه‌ای کوچک سیر تحول معماری اسلامی را در هند در طی چند قرن نشان می‌دهد. ابنیه فوق‌الذکر همگی، به استثنای مقبره امام ضامن، از نمونه‌های خوب معماری عهد خود محسوب می‌شوند. آنچه تاکنون از نظر خواننده محترم گذشت، مدخلی بود بر موضوع معماری اسلامی هند در عهد نوباوگی و جوانی آن. عزم و قصد آن دارم تا به یاری خدا، در مقاله دیگر به معرفی اجمالی نمونه‌های برجسته هنر معماری هندو - ایرانی که به واقع از میراث فرهنگی عظیم اسلام به شمار می‌روند، پردازم. ولی آنچه می‌خوانید و خواهید خواند جز اشاره‌ای سطحی به موضوع نخواهد بود. اصولاً پرداخت عمیق به این موضوع گسترده در قالب محقر یک یا چند مقاله نمی‌گنجد. امید نگارنده این است که با ذکر این اشارات و

افروختن جرقه‌ای در این خرم‌نگاه، اهل تحقیق و اصحاب هنر را متوجه اهمیت این سلسله از مطالعات که به واقع جای خالیش در فرهنگ و هنر ایران حس می‌شود، نموده تا شاید پژوهشگران و آن عده از دلسوختگان وادی هنر که بوی شرق به مشام دلشان آشنا است، به انجام این مهم همت گمارند و با تلاش ایشان و عنایت پروردگار، شکاف ناحقی که به دست غدار تاریخ، میان این دو فرهنگ غنی و قوی ایجاد شده، رفته رفته پر شود و پیوندهای کهن محکم‌تر از پیش برقرار و دوستی‌های دیرینه احیا و پایدار گردد.

پانوشتها:

1 . Bhandar kar D.R. The Temples of Asia, A.S.I.A.R. The Architectural Antiques of Western India.

۲ . شهر اجمیر در ایالت راجستان واقع شده است. مقبره خواجه معین‌الدین چشتی، معروفترین صوفی طریقه چشتیه در این شهر واقع شده که زیارتگاه مسلمانان و هندو و جین و مسیحی است.

3 . Indarpat

۲ . روشن ضمیر، مهدی؛ والاترین مرحله شکوفایی دودمان غوری، مجله بررسیهای تاریخی، سال سیزدهم، شماره ۱
۵ . Ganesa از خدایان هندویی است با سر فیل. او فرزند شیوا خداوند نابودی است.

۶ . امام محمد علی، معروف به امام ضامن اصلاً اهل ترکستان بوده و در زمان حکومت سکندر لودی به هند مهاجرت کرد.



علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی و پژوهشی
جامع علوم انسانی